

# ویژگیها و خطوط کلی اعتدال و میانه روی

«كذلك جعلناكم أمة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً» [البقرة: ۱۴۳]؛ بی گمان شمارا امتی میانه رو (دور از افراط و تفریط و گامزن در جاده اعتدال) گردانده ایم تا بر جامعه بشری شاهد و گواه باشید و پیامبر [صلی الله علیه و سلم] نیز بر شما گواه باشد.

دکتر یوسف قرضاوی  
رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان  
ترجمه: عبدالعزیز سلیمی

بر این باورم که اعتدال و میانه روی در بینش، منش و روش، درمان تمامی دردها و حلّال تمامی نابسامانی های ناشی از پراکندگی، عقب افتادگی علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

برای رویارویی با روند رو به رشد رویکردهای ناروا، کج اندیشی های کسل کننده و برداشت های خانمان بر انداز، بر ماست که منهج میانه روی و مفاهیم و مبانی اعتدال را توضیح بدهیم و برای تبلیغ و تقویتش از تمامی تریبون ها و رسانه ها استفاده نمایم.

این مسئله، مسئله ای بسیار حساس و حیاتی است، و فکر می کنم که یکی از مهمترین اولویت ها و مسئولیت های عالمان، اندیشمندان، مبلغان و تمامی کسانی که خود را حامل پیام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم به شمار می آورند، این است که برای کنار زدن غبارها از روی آینه اعتدال و پاک نمودن چهره پندارهای پذیرفته شده قرآن و سنت صریح پیامبر، از تمامی توان خویش بهره گیرند.

من ویژگی ها و خطوط کلی «اعتدال و وسطیت» را در کتاب «ویژگی های کلی اسلام» توضیح داده و تبیین نموده ام، و بر خود لازم می بینم که در این رابطه در دو بعد سخن بگویم و به این پرسش پاسخ دهم که اساساً «اعتدال و وسطیت» چیست؟ و در ضمن پاسخ به این پرسش، لازم می بینم ویژگی ها، محورها و ضابطه هایی را که پایه و اساس وسطیت و اعتدالند مشخص کنم، تا صورت و ماهیت آن برایمان معلوم و اوصاف آن به درستی آشکار شود، با این هدف که آن را خام و ناپخته باقی نگذاریم تا کسی نتواند آن گونه که دوست دارد، آن را تفسیر کند.

من پیشتر برای اصل مهم و حساس «اعتدال و وسطیت در اسلام» بیست ویژگی را در نظر گرفته و اولین بار آن را در «مرکز تحقیقات فقهی اروپا» - که اینجانب افتخار ریاست آن را بر عهده دارم - بیان کردم، همچنین در اولین گنگره «اتحادیه جهانی علمای مسلمان» نیز به طرح آن پرداختم؛ اکنون در این مجال نیز به ارائه آن خواهم پرداخت.

## ویژگی ها، مبانی و خطوط کلی اعتدال و میانه روی:

۱. شناخت همه جانبه و بالنده اسلام با این اوصاف و ویژگی ها که در برگیرنده عقاید و جهان بینی، احکام و قانونگذاری، علم و عمل، عبادات و معاملات، ارزش های اخلاقی و

۱۱. آشتی دادن میان دلبستگی و وابستگی [ولاء] به اهل ایمان، و تسامح و تعامل با مخالفان و دگراندیشان.

۱۲. ضرورت اهتمام به اصل "جهاد و مقاومت" و فراهم نمودن امکانات لازم در جهت رویارویی با تمامیت خواهان و متجاوزان و صلح و سازش با صلح طلبان و مسالمت جویان.

۱۳. تلاش تدریجی و خردمندانه در عرصه های دعوت، تبلیغ، فتوا، تعلیم و اصلاح؛ زیرا کار تدریجی همانگونه که قانونی طبیعی است، حکمی شرعی نیز هست.

۱۴. تعاون و همکاری میان گرایش ها و جماعت های مسلمان بر پایه موارد مورد توافق، و تسامح و گفتگو در ارتباط با امور مورد اختلاف، و تلاش و تعاون در راستای سازندگی و بالندگی، و پرهیز و رویگردانی از پراکندگی، تخریب و ویرانگری.

۱۵. رفتار و تعامل متمدنانه و دادگرانه با زنان و مراعات حقوق آنان، و مقابله با رسوم و قید و بندهایی که هیچگونه ارتباطی با تعالیم حیات بخش اسلام ندارند و در بسیاری از موارد تماماً با آنها در تضادند.

۱۶. اعتراف و مراعات حقوق اقلیت های دینی و مذهبی و تعامل با آنها بر اساس اصل خیرخواهی و برادری بشری.

۱۷. ضرورت تلاش در جهت تجدید دین از درون و احیای فریضه اجتهاد در حدود و چارچوب آن؛ یعنی در حوزه "ظنیات نه قطعیات"، اعم از اینکه آن اجتهاد "انتقایی باشد یا انشایی، کلی باشد یا جزئی؛ البته از جانب کسانی که اهلیت و شرایطش را داشته باشند.

۱۸. تلاش جدی در جهت تدوین فقه قرآنی و نبوی جدید، فقه سنت های حاکم بر نظام هستی، فقه مقاصد شریعت، فقه آینده نگری و برنامه ریزی، فقه موازنه ها و سنجش بین پدیده ها، فقه اولویت میان امور، فقه تمدن و پیشرفت، فقه اختلاف مشروع و تفرق مذموم، و فقه واقعیت های موجود.

۱۹. بهره گیری بهینه از برترین راهکارهای ارزشی موجود در تجارب علمی، میراث تاریخی و فرهنگ و تمدن اسلامی، همانند: قانون مداری و ضابطه محوری فقیهان، اصول گرایی اصولیان، خردگرایی حکیمان، معنویت متصوفان، و روایت مستند محدثان، و ظرافت و زیبایی شناسی شاعران و ادیبان.

۲۰. انسجام و هماهنگی میان اتکاب گذشته و الهام گرفتن از آن، و تدبیر و برنامه ریزی برای حال و آینده.



توانمندی های بشری، فرهنگ و فرهیختگی، دعوت و دولت، دین و دنیا، و تمدن و امت می باشد.

۲. ایمان به مرجعیت و محوریت قرآن (وحی الهی) و سنت نبوی در عرصه قانونگذاری، برنامه ریزی و ساماندهی زندگی، همراه با ضرورت معرفت (نصوص جزئی) قرآن و سنت در پرتو اهداف و مقاصد کلی "اسلام و شریعت اسلامی". همچنین ناصواب شمردن تصویری نیازی آن دو از یکدیگر؛ یعنی اکتفا به کلیات و کنار نهادن جزئیات و یا بسنده نمودن به فروع و کنار گذاشتن اصول.

۳. ضرورت معرفت روح و ماهیت باورها و ارزش ها، پیش و بیش از توجه به شکل و ظاهر آنها، و اولویت دادن به "اعمال قلوب و درون" پیش از "اعمال اعضا و بیرون".

۴. شناخت جایگاه عقل و خردورزی در فهم دین و زندگی، و تن ندادن به تئوری تعارض میان "نقل صحیح و عقل صریح" یا رودررویی میان وحی الهی و عقل انسانی؛ زیرا آنها دو نور مکمل یکدیگرند، و هر یک از حرمت و حدود خاص خویش برخوردارند.

۵. سازگاری و هماهویی میان مادیت و معنویت، دنیا و آخرت، ربانیت و انسانیت، حق آفریدگار و حق آفریدگان، و بین نوآوری های علمی و مادی و ارزشی های والای معنوی.

۶. دعوت و فراخوانی حکیمانه و خردمندانه و نصیحت و دلسوزی دردمندان و دلیرانه اهل ایمان، و گفتگو و دیالوگ با مخالفان و دگراندیشان با بهره گیری از بهترین راهکارها، اعم از مخالفان اعتقادی و مذهبی، و دگراندیشان فکری و سیاسی - به استثنای آنانی که از در ستم و تجاوزگری وارد می شوند.

۷. تأکید بر نهادینه کردن و عملیاتی نمودن اصول و ارزش های انسانی و اجتماعی مانند: عدالت و دادگری، احسان (نیکوکاری، خیرخواهی و عملکرد درست)، شورا، حق انتخاب، و حفظ حقوق و کرامت انسان و ...

۸. ثبات و پایداری در عرصه "مبانی و مقاصد" و انعطاف و تغییر و تنوع پذیری در میدان "ابزارها و راهکارها"، به عبارت دیگر، محافظت از "اصول و کلیات" و نرمش و انعطاف در عرصه "فروع و جزئیات".

۹. آسانگیری در حوزه "فتوا"، و بشارت و عطوفت در عرصه "دعوت"، و اگر تشدد و سختگیری ضرورت پیدا کرد، به حفظ "اصول" بسنده گردد و به حدود "فروع" گام نهاده نشود.

۱۰. ایجاد سازگاری و هماهنگی میان "ثوابت شریعت و متغیرات و تحولات زمان"، و لحاظ کردن موقعیت جغرافیایی و اوضاع و احوال اجتماعی در دگرگونی "فتوا، تبلیغ، تعلیم و تربیت".